

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۳ دسمبر ۲۰۱۹

آیا "ثریا پرلیکا" مدافع حقوق "زن افغان" بود؟

هرچند تصمیم نداشتیم راجع به مرگ "ثریا پرلیکا" یک تن از پرچمی های رسوائی که سخت تلاش نمود تا در عین وابستگی غلیظ به سوسیال امپریالیزم متوفا، خود را به دامن امپریالیزم امریکا و بقیه اشغالگران ناتونی نیز بچسباند، چیزی بنویسم، مگر خواندن این عبارت "ثریا پرلیکا، فعال حقوق زن افغان شب گذشته (۲۹ قوس/آذر) در سونیس برگزشت" در بی بی سی فارسی، وادارم ساخت تا به دفاع از میلیونها "زن افغان" که قربانی سیاست های نوکران زرین قلاده روس اعم از خلق و پرچم و فریبکاران هرزه ای چون "پرلیکا" ها گردیدند، برخاسته نکات چندی را هرچند مختصر خدمت خوانندگان عزیز این سطور تقدیم بدارم:

در اینجا ناگزیر نخست دید خود را از "زن افغان" می باید تقدیم بدارم، در غیر آن، این خطر وجود دارد که خواننده متوجه نیات و هدفم نگردد:

برای من "زن افغان" نه به تولد از پدر و مادر افغان تعلق دارد و نه هم به داشتن تذکره تابعیت افغانستان. بلکه زن افغان، زنی را می دانم که متناسب با فهم خودش، دلش برای افغانستان و هموطن افغانش تنیده، منافع افغانستان را بر منافع شخصی، خانوادگی، فامیلی، منطقه ای، گروهی و حزبی برتر و مقدمتر بداند. به آزادی افغانستان و مردم آن شاد باشد، در اسارت آن غمین و آماده فداکاری. به عبارت ساده تر، درسی را که "عذرا" تازه عروس جانباز خلق "عبدالله" حین دفع دومین تجاوز انگلیس در شهر کابل به مردمش داد و نام نامی اش "عذرا" را درج کتیبه خرائین تاریخ نمود، بدرستی فرا گرفته به جای حجله، همسر تازه دامادش را به قبر سرد و تاریک همراهی نماید، درسی را که "ملالی" ها در میوند و سایر میدانهای رزم آزادیخواهانه، به بقیه همجنسان شان داده اند، به صورت کامل فرا گرفته از مرد زندگی خودش و بقیه مرد ها بخواهد که با ایثار خون شان، نگذارند ننگی بر دامن زن افغان بنشیند، درسی را که "مینا" و بقیه رزمندگان عرصه نبرد طبقاتی و ملی داده اند، از خون و جان خود گذشته اند، اما نه حاکمیت اشغالگران را پذیرفته اند و نه هم آستانبوس ارتجاع هار مذهبی شده اند. به نظر من سببول های دفاع از حقوق "زن افغان"، عذرا ها، ملالی ها و مینا ها هستند که شجاعانه در سنگر دفاع از میهن ایستادند، ایستاده جانباختند مگر نه خود خمیده زیستند و نه هم یاران شان را سزوار خمیده زیستن دیدند.

از نظر من حقوق زن افغان به این خلاصه نمی گردد که زیر نام برخورداری از آزادی مبلغ و مروج فساد، هرزگی، بی بند و باری و فحشاء باشد و خود نیز در چنان منجلابی دست و پای بزند، اگر قرار باشد که "آزادی زن" و "تساوی حقوق زن" را صرف به برداشتن حجاب و ترویج فحشاء خلاصه نمایم، در آن صورت می توان نوشت:

تمام بردگان جنسی از سنخ اسکان یافته در فاحشه خانه هائی از نوع "سنت پولی"، آزاد ترین زنان و مربی و الگوی تمام زنان می توانند باشند.

حال با این تعریف و برداشتی که من از "زن افغان" دادم، روشن است تمام آنهایی که در خدمت اشغالگران و ارتجاع قرار داشته و دارند، به هیچ وجه هیچ نسبتی با "زن افغان" ندارند، آنها به مثابه جرثومه های فساد و تباهی و لکه ننگ بر دامن تمام زنان جهان من جمله زنان افغانستان، مروج فرهنگ برده ساز مردسالار می باشند.

آنهایی که به "ثریا پرلیکا" عنوان مدافع حقوق "زن افغان" را می دهند، آیا هیچ از خود پرسیده اند زمانی که خون "ناهید ساعد" بر سرکهای کابل به وسیله عمال روس و سربازان روسی می ریخت، چه صدائی از "پرلیکا" بلند شد و در کجا آن جنایت را محکوم نمود؟ زمانی که همه روزه ظرف ۱۴ سال حاکمیت مزدوران روس، در اقصا نقاط افغانستان، به صد ها هزار زن و کودک در اثر بمبارانهای کور و انتقامی خلق و پرچم و باداران شان، کشته می شدند و یا نان آوران خانواده های شان را از دست می دادند و قسماً ناگزیر به فحشاء روی می آورند این فعال و مدافع حقوق زن افغان کجا بود و چه می کرد؟ زمانی که بر اثر تجاوز امپریالیزم امریکا و بقیه اشغالگران، باردیگر تاریخ و هویت زن افغان به معامله گذاشته شد، این مبارز!! حقوق زن چه می کرد؟

مدافعان عناصری از قماش "پرلیکا" که عمدتاً یا از جمع بقایای مزدوران روس هستند و یا هم نان و نمک امپریالیزم را خورده، به پاس همان نان و نمک تلاش می ورزند تا انقیاد و نوکری به امپریالیزم را آزادیخواهی معرفی نمایند، این را باید بدانند که نه "زن افغان" متاع بازار مکاره امپریالیزم و ارتجاع است و نه هویت تاریخی و مبارزاتی آن.

از دید "زن افغان" افرادی از قماش "پرلیکا" که هم در خدمت اشغالگران روس قرار داشتند و هم تلاش ورزیدند تا خیانت شان به کشور را در زیر بیرق امریکا و شرکاء ادامه دهند، نه تنها مدافع حقوق زن افغان نبوده و نیستند بلکه لکه های ننگی اند بر دامن پاک "عزرا" ها، "ملالی" ها و "مینا" ها، که می باید در زمانش پاک بگردند.